توصیف بخشی از نعمت و عذاب قبر

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا قُبِرَ المَيِّتُ - أَوْ قَالَ: أَحَدُكُمْ - أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَزْرَقَانِ، يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا: الْمُنْكَرُ، وَلِلْآخَرِ: النَّكِيرُ، فَيَقُولَانِ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: مَا كَانَ يَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ هَذَا، ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ، ثُمَّ يُنَوَّرُ لَهُ فِيهِ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ، نَمْ، فَيَقُولُ: أَرْجِعُ إِلَى أَهْلِي فَأُخْبِرُهُمْ، فَيَقُولَانِ: نَمْ كَنَوْمَةِ العَرُوسِ الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ، فَقُلْتُ مِثْلَهُ، لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ، فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ: التَئِمِي عَلَيْهِ، فَتَلْتَئِمُ عَلَيْهِ، فَتَخْتَلِفُ فِيهَا أَضْلَاعُهُ، فَلَا يَزَالُ فِيهَا مُعَذَّبًا حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ»: «چون میت دفن می شود - یا اینکه فرمود: چون یکی از شما دفن می شود - دو مَلَک سیاه با چشمان کبود نزد وی حاضر می شوند که به یکی از آنها منکر و به دیگری نکیر گفته می شود؛ این دو ملک می گویند: در مورد این مرد چه می گویی؟ میت می گوید: آنچه هنگام زنده بودن می گفتم؛ او بنده ی الله و رسولش می باشد؛ گواهی می دهد که معبود بر حقی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده ی اوست؛ آنگاه دو ملک می گویند: ما می دانستیم که تو همین سخنان را می گویی؛ سپس برای او به اندازه ی هفتاد در هفتاد ذراع قبرش وسعت می یابد و نورانی می گردد؛ آنگاه به وی گفته می شود: بخواب؛ میت می گوید: بازگردم و به خانواده ام در این مورد خبر بدهم؛ دو ملک می گویند: مانند عروسی که می خوابد و محبوب ترین فرد خانواده اش او را از خواب بیدار می کند، بخواب. تا اینکه الله متعال او را دوباره زنده گرداند. اما اگر میت منافق باشد، در پاسخ (این دو ملک) می گوید: می شنیدم مردم چیزهایی می گفتند، من هم همان سخنان را تکرار می کردم. نمی دانم؛ آنگاه دو ملک می گویند: ما می دانستیم که پاسخ تو همین خواهد بود؛ پس به زمین گفته می شود: او را در خود بفشار؛ و زمین او را در خود می فشارد تا جایی که دنده هایش در هم فرو می رود؛ و همواره در عذاب است تا اینکه الله متعال او را دوباره زنده می گرداند».

[حسن است] [به روایت ترمذی]

زمانی که میت دفن می شود، دو ملک سیاه با چشمان کبود نزد او حاضر می شوند که اسم یکی از آنها منکر و اسم دیگری نکیر است و به او می گویند: در مورد این مرد چه می گویی؟ و منظورشان رسول الله صلی الله علیه وسلم می باشد؛ وی می گوید: او بنده ی الله و رسول و فرستاده ی اوست؛ گواهی می دهم که معبود بر حقی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده ی اوست؛ دو ملک می گویند: ما می دانستیم که تو چنین پاسخ می دهی؛ آنگاه قبرش برای او به اندازه ی هفتاد در هفتاد ذراع وسعت می یابد و نورانی می شود؛ آنگاه به وی گفته می شود: بخواب؛ می گوید: می خواهم نزد خانواده ام بازگردم و به آنان خبر دهم که حالم خوب است و از این مساله خوشحال شوند و برای من غمگین و ناراحت نباشند. دو ملک به وی می گویند: بخواب همچون عروسی که می خوابد و محبوب ترین فرد خانواده اش نزد وی، او را بیدار می کند. بنابراین به خواب خوبی می رود تا اینکه الله متعال در روز قیامت او را زنده گرداند. اما اگر میت منافق باشد، می گوید: می شنیدم که مردم می گفتند محمد رسول و فرستاده ی الله است؛ من هم همین جملات را می گفتم و نمی دانستم که حقیقتا او پیامبر است یا نه؛ آنگاه دو ملک می گویند: ما می دانستیم که چنین پاسخ می دهی؛ سپس به زمین گفته می شود که او را در خود بفشارد و جمع نموده و قبرش را بر او تنگ و تنگ تر کند؛ چنانکه از شدت فشار اجزای بدنش در هم فرو می رود و دنده های یک پهلو از پهلوی دیگر بیرون می زند. و همواره به همین صورت عذاب می بیند تا اینکه الله متعال او را در روز قیامت برانگیزد.